



روایت «علوی» مروری بربك مستندنگاری تربیتی

به مناسبت انتشار کتاب «همیشه همان»
ماحصل گفت‌وگو با محمدحسین کرباسچیان، مدیر دبیرستان علوی

● عبدالرضا سبحانی، استاد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی

کلیدواژه‌ها: مستندسازی، تجربه‌نگاری، مدرسه علوی، اندیشه‌ورزی

علم محصول سؤال و حیرت انسان‌ها و تلاش برای برون‌رفت از آن حیرت و سؤال است. درون‌زایی عیار سنجش علم اصیل و پاسخ به این سؤال است که آیا علم و فناوری آموخته‌شده و به‌کار بسته در جامعه، محصول سؤال و تفکر مردم و دانایان همان جامعه است یا سؤال و جواب از جای دیگر آمده است؟ گاه مردم و اندیشمندان جامعه به سؤالی برانگیخته می‌شوند، می‌اندیشند و بالاخره با اندیشه‌ورزی به پاسخ و کشف و یافته‌هایی می‌رسند. یافته‌های آن‌ها صورت علمی پیدا می‌کند، در مدرسه و دانشگاه‌ها در فرایند یاددهی‌یادگیری قرار می‌گیرد و بالاخره در منابع علمی ترویج می‌شود. حالت دیگر این است که جامعه نه سؤال دارد و نه جواب! اگر جواب یا جواب‌هایی از جای دیگر رسیدند، بی‌آنکه سؤال مقدر آن جواب را جست‌وجو کند، ممکن است از محصول آن که نظریه‌ای علمی یا محصولی فناورانه باشد، بهره‌مند شود؛ البته با حیرت و تعجب فراوان از پیدایش آن نظریه یا محصول! همان‌گونه که بسیاری از کشورهای غیراروپایی، پس از انقلاب صنعتی در برابر دستاوردهای علمی اروپا مانند حرکت ماشین و پرواز هواپیما و درمان بیماری‌ها و سایر دستاوردهای علمی آن با چنین حیرتی مواجه بودند. دیری است که بعضی جامعه‌ها از این ذهن‌انگیزی و سؤال و جواب باز مانده‌اند و به پخته‌خواری علم عادت کرده‌اند. هر چند در این قاعده استثناهایی نیز روی داده که چون شمعی در تاریکی و تک‌درختی در کویر موجب طراوت و امید شده‌اند. یعنی در همان جامعه‌های بی‌سؤال و بی‌جواب، عده‌ای به محیط پیرامونی خود حساس شده‌اند و با طرح سؤالاتی در پی یافتن پاسخ آن براساس تجربه و تفکر مستقل خویش برآمده‌اند.

تکوین دانش تعلیم و تربیت بومی

دانش تعلیم و تربیت نیز در این قاعده و استثنا قرار دارد. هم شواهدی از پخته‌خواری در آن می‌توان دید و هم برانگیختگی و اندیشه‌ورزی و طرح سؤال‌هایی دربارهٔ تربیت نسل و تلاش‌های تحسین‌برانگیزی برای یافتن پاسخ و عمل به آن! یکی از دستاوردهای نوآندیشی اروپا مدرسه‌های جدید بود که با اصول و پایه‌های معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی جدید شکل گرفت. در واکنش به این پدیدهٔ نوظهور که منطق و کاربردی متفاوت از نظام‌های آموزشی سنتی داشت، اکثر کشورهای جهان از آن استقبال کردند. بعضی کشورها با ترجمه و تقلید و اقتباس محض در یک‌سوی طیف و بعضی با اندیشه‌ورزی و انطباق این مدرسه‌ها با فرهنگ بومی یا مقاومت در برابر آن، در میانه یا سوی دیگر طیف قرار گرفتند.

مهاجران و مسافران ایرانی نیز که در سدهٔ سیزدهم هجری، مدرسه‌های نوین برخاسته از تحولات رنسانس و انقلاب صنعتی اروپا را دیدند، تردید نکردند که مدرسه‌های جدید باید جایگزین مکتب‌خانه‌های قدیم و کودکان و نوجوانان باید به این‌گونه مدرسه‌ها سپرده شوند. از آن پس، ترجمهٔ کتاب‌ها و مقاله‌ها و اقتباس از مبانی و روش‌های آن مدرسه‌ها آغاز و تاکنون استمرار یافته است. نظام تربیت‌معلم، دانشکده‌های علوم تربیتی، تألیف کتاب درسی و سایر نهادها و شئون تعلیم و تربیت، تحت تأثیر این اقتباس شکل گرفتند و هنوز ادامه دارند.

مدرسه‌داران دولتی و غیردولتی که جایگزین مکتب‌داران قدیم شده بودند نیز در دو سر طیف قرار داشتند. هر چند مقلدان و مترجمان از نظر فراوانی و تأثیرگذاری بیش از تجربه‌گران اندیشه‌ورز بودند و نظام تعلیم و تربیت امروز ما تا حدود زیادی محصول تسلط تقلید و ترجمه بر تفکر و تجربه است، اما کنشگری گروه دوم نیز نظام تعلیم و تربیت را در محدودهٔ کوچک‌تری تحت تأثیر قرار داد. این گروه، علاوه بر نگاه به دستاوردهای نوین دانش تعلیم و تربیت در غرب، به مبانی علمی و فلسفی و دینی و تجربه‌های گذشتهٔ بومی نیز توجه داشتند. اینان با ایمان و اعتماد به سرمایه‌های فرهنگ خودی، نگاه بیرونی و تقلیدی صرف را وانهادند و دربارهٔ مسائل کودکان و مدرسه‌ها به تفکر در ارزش‌ها و تجربه‌های زیستهٔ فردی و اجتماعی خود پرداختند و برای مشکلات جاری راه‌حلی متمایز از راه‌حل‌های وارداتی اندیشیدند.

تجربه‌نگاری تعلیم و تربیت

دانش تعلیم و تربیت مانند سایر علوم با مجموعه‌ای از اصول و مبادی عقلی و تجربی شکل گرفته است. مرور و بازنمایی تجربه‌های تعلیم و تربیت مانند هر رشتهٔ علمی دیگر، از مهم‌ترین عوامل تکوین و بازسازی این رشته از دانش بشری است. جامعه‌هایی که به تجربه‌های مدرسه‌داری و کلاس‌داری



منظور از

مستندسازی

تجربه‌ها، تبدیل

دانش ضمنی و

پنهان خارج از

دسترس، به دانش

صریح و آشکاری

است که همگان به

آن دسترسی دارند

به‌عنوان سرمایهٔ دانشی نگاه کرده‌اند و آن را مکتوب و محفوظ داشته‌اند و براساس تجربه‌های گذشته، حال و آینده را ساخته‌اند، نظام‌های آموزشی موفق‌تری را شکل داده‌اند و آن‌ها که تجربه‌های زیستهٔ خویش را نادیده گرفته‌اند، به‌طور عمومی به ترجمه و اقتباس وابسته مانده‌اند.

باید اذعان کرد، از تأسیس اولین مدرسه‌های جدید در ایران و حتی مکتب‌خانه‌های قدیم، منابع قابل‌اعتنایی از روایت گذشته در دست نیست. گویا روایت‌نگاری مدرسه‌ها در کانون توجه کارگزاران و متصدیان تعلیم و تربیت نبوده یا آن را مهم تلقی نکرده‌اند. اگر در صد و اند سال اخیر که از عمر مدرسه‌های نوین در ایران می‌گذرد، تجربه‌های معلمان، مربیان و مدیران مدرسه‌ها توصیف و روایت می‌شد، فرصت‌های متفاوتی برای نظریه‌پردازی، نوشتن اسناد بالادستی و برنامه‌های راهبردی و اجرایی فراهم بود! امروز نیز نباید تجربه‌های معلمان و مدیران مدرسه‌ها و حتی دانش‌آموزان و پسران مادرها را از دست داد. چنین روایت‌هایی برای سیاست‌گذاری‌ها و تنظیم اسناد بالادستی و ساخت آیندهٔ نظام تعلیم و تربیت پرکاربرد و اثرگذارند. چنین روایت‌هایی موجب می‌شوند مردم، نخبگان و دولت‌مردان با حیاط‌خلوت جریان تعلیم و تربیت بیشتر آشنا شوند و کنشگری بیشتری با معلمان و مدرسه‌ها و نظام

تعلیم و تربیت داشته باشند.

تعلیم و تربیت تعیین کننده ترین عامل ساخت آینده و پیشرفت کشور است. تجربه نگاری و روایت رویدادهای مدرسه ها بهانه ای است برای حساس کردن جامعه و دعوت بیشتر به اندیشیدن، مداخله و حضور بیشتر مردم و دولت مردان درباره آنچه در مدرسه ها می گذرد، تا معلوم شود چگونه باید بگذرد! در این صورت، نظام تعلیم و تربیت سرنوشت دیگری خواهد داشت. سودمندی دیگر مصاحبه ها و خاطرات و زندگی نامه های خودنوشت و روزنگارهای معلمان و مدیران مدرسه ها و دانش آموزان و والدین منبعی ارزشمند برای ساخت فیلم و نگارش رمان و داستان است که خود موجب غنای ادبیات داستانی و هنری با موضوع مدرسه و تربیت خواهد شد.

تجربه نگاری مدرسه علوی

مرحوم علامه حاج شیخ علی اصغر کرباسچیان و مرحوم استاد رضا روزبه از جمله چراغهای روشنی بخش و درختان سایه گستر در شکل دادن دانش تعلیم و تربیت بومی اند که نزدیک هفتاد سال پیش، به این پرسش و پاسخ برانگیخته شدند و در سال های استبداد و دین ستیزی رژیم پهلوی و پس از کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۵، مدرسه علوی را تأسیس و مسیر اندیشه ورزی درباره تعلیم و تربیت بومی و متعهد را در عمل هموار کردند.

این مدرسه که تاکنون زایش و رویشی تدریجی و آرام داشته است، از سرمایه های دانش بومی و قابل اتکای تعلیم و تربیت کشور به شمار می رود و شواهد و علامت های فراوان از بهره مندی نقادانه از نظریه های پیشرفته تعلیم و تربیت در عملکرد آن دیده می شود. بی تردید، تاریخ مدرسه علوی یکی از منابع معتبر در تولید دانش تعلیم و تربیت بومی در جامعه ماست که مستندسازی و بازخوانی آن تاکنون به تأخیر افتاده است!

منظور از مستندسازی تجربه ها، تبدیل دانش ضمنی و پنهان خارج از دسترس، به دانش صریح و آشکاری است که همگان به آن دسترسی دارند. دانش ضمنی، همان گونه که از نامش پیداست، پنهان و مستتر است و مهم ترین منبع آن خاطرات و روایت های متنوع از تجربه های زیسته افرادی است که در لایه های گوناگون مدرسه حضور داشته اند.

معلمان و مدیران و کارکنان، دانش آموزان و دانش آموختگان و پدر و مادرهایی که خدمات این مدرسه را تجربه کرده اند، همه از منابع و ذخیره های دانش ضمنی این مدرسه به شمار می روند. هر چند مدرسه علوی با درست داشتن میراثی از فرهنگ مدرسه داری، با استحکام و جدیت، توسط تربیت شدگان نسل اول و بنیان گذاران آن اداره می شود، اما چون تا چند سال پیش اثر مکتوبی از این تجربه ها ثبت و منتشر نشده بود و بیشتر بر نقل سینه به سینه افراد تکیه داشت، به فراموشی در گذر

زمان تهدید می شد. از چند سال پیش که به همت مؤسسه مطالعاتی «متن» سلسله مصاحبه هایی با مدیران و پیشکسوتان این مدرسه و اقمار آن منتشر شده است، دغدغه و نگرانی از بین رفتن این یادگار بزرگ فرهنگی و آموزشی کم شده است.^۱ اما هنوز نانوشته ها و ناگفته هایی فراوان در نسل های اول و دوم مدرسه علوی وجود دارد که خطر پیری و فراموشی آن ها را تهدید می کند و باید هر چه سریع تر آن ها را دریافت! کتاب اشاره شده حاصل شش جلسه مصاحبه با محمدحسین کرباسچیان، مدیر دوره متوسطه دوم دبیرستان علوی است که در محیط خانواده، تحت تربیت مرحوم علامه کرباسچیان بوده و دوره دانش آموزی و معلمی خود را نیز در این مدرسه گذرانده و تجربه های منحصربه فردی از زاویه های دقیق این میراث گران بها را رمزگشایی کرده است.

محمدحسین کرباسچیان از فارغ التحصیلان دوره ششم مدرسه علوی است که پس از فارغ التحصیلی از دوره متوسطه، در سال ۱۳۴۶ دوره کارشناسی مهندسی شیمی را در دانشگاه شیراز گذراند و در حین سربازی، در دوره راهنمایی مدرسه علوی نیز مشغول به کار شد. پس از سربازی، به تدریس در متوسطه مشغول شد و به درخواست پدر، مرحوم علامه کرباسچیان، تاکنون خدمت فرهنگی و تربیتی خویش را در این مدرسه ادامه داده است. آقای کرباسچیان مدت ۲۹ سال زیر نظر مرحوم آقای دکتر محمد رضا خسروی، مدیر پیشین دبیرستان علوی، مدیریت داخلی مدرسه را بر عهده داشت و پس از فوت ایشان در سال ۱۳۸۱ به طور رسمی مدیریت دبیرستان علوی را بر عهده گرفت.

در این گفت و گو که شواهد عینی و تجربه شده یک مدیر با سابقه نظام مدیریت مدرسه بازنمایی شده است، به شاخص ها و مؤلفه هایی اشاره می شود که برای خواننده، به خصوص مدیران و معلمان، قابل تأمل و بعضاً قابل الگوبرداری و پیاده سازی هستند.

اقدام مؤسسه متن برای مستندسازی این تجربه تاریخی که امکان دسترسی مدیران و معلمان مدرسه ها به این تجربه ها را فراهم ساخته، ستودنی است. امید که با استمرار آن، این فرصت بیش از گذشته فراهم شود و با طرح و نقد آن در مجامع علمی و دانشگاهی، گامی در تکوین و تکامل و تحقق تعلیم و تربیت اسلامی و بومی برداشته شود. خداوند از کلیه کسانی که در این راه گام نهاده اند، به شایستگی بپذیرد و بهترین پاداش را مرحمت فرماید. ■

پی نوشت

۱. تاکنون مصاحبه هایی با مدیران، مصاحبه با معلمان دینی، مصاحبه با معلمان راهنما و تجربه نگاری های تربیتی منتشر شده است که علاقه مندان برای مشاهده آن ها می توانند به وبگاه مؤسسه متن به نشانی mmtn.ir مراجعه کنند.

مدرسه علوی که
تاکنون زایش و
رویشی تدریجی و
آرام داشته است، از
سرمایه های دانش
بومی و قابل اتکای
تعلیم و تربیت کشور
به شمار می رود